

ما منتظریم...!

دیگر دلتنگی هایمان مخصوص شب های جمعه نیست. روزبه روز و لحظه به لحظه دلتنگ آمدنت هستیم. آقا جان تنها امید ادامه زندگیمان تپش های قلب شماست. گویی بی قراری دلهای ما از شوق دیدار شماست. آقا بگو که آمدنت نزدیک است!



دیگر دلتنگی هایمان مخصوص شب های جمعه نیست. روزبه روز و لحظه به لحظه دلتنگ آمدنت هستیم. آقا جان تنها امید ادامه زندگیمان تپش های قلب شماست. گویی بی قراری دلهای ما از شوق دیدار شماست. آقا بگو که آمدنت نزدیک است!

آقا جان دیگر از انتظار نگو از وصال بگو. از پایان جمعه های بی تو بگو! آقا جان بگو که به زودی همد صبا خبر از آمدنتان را نوید می دهد. بگو که می آیی و مرهم دل های شکسته و خسته ی ما می شوی.

بگو که دیگر غریب نیستیم.

آقا جان، مولای من، بگو که روزی با تو به زیارت خانه خدا می روم و تنها نیستم. بگو که با هم به زیارت جدتان حسین بن علی(ع) می رویم و یک دل سیر برای مظلومی حسین(ع) می گرییم. بگو که به دیدار مولایمان در کوفه می رویم و ایشان را نوید می دهیم که دیگر جولان دهی ظالمان تمام شد. به دیدار خانوم فاطمه زهرا(س) می رویم و شما مزار غریب بی بی را نشانمان می دهی. ما هم یک دل سیر با مادرمان درد و دل می کنیم. آقا جان خیلی کارها داریم که بعد از آمدنت انجام دهیم. فقط به شوق دیدار شما، سختی ها را تحمل می کنیم. بگو که میایی و اشک های شبانه و غریبانه ی ما را پایان می دهی. الهی به امید ظهور آقای خوبان.

خوشبوترین منتظران

نمی دانم چرا هر شب که می خواهم با تو درددل کنم، اشکهایم زود سرازیر می شود؛ ولی با وجود این، احساس آرامش می کنم، زیرا با اشک ریختنم احساس سبکی می کنم و می توانم به سوی صحرای بیکران عشق بال بگشایم.

از گریه کردن و اشک ریختن، لذت می برم و هر شب، کلمه دردناک انتظار را صدها بار بر آسمان پر ستاره خیالم می نویسم.

خدا را گواه می گیرم که در هر زمان، منتظر شنیدن صدا و کلامت هستم و از پشت پنجره انتظار به دوردستها خیره می شوم. خواهان این هستم که اولین شنونده کلامت و اولین بیننده نگاه مهربان و لبخند دلنشینت باشم. یاد تو دست نوازش بر قلبم می کشد و مرا تا ساحل مهربانی ها هدایت می کند.

ای کاش از نسیم می خواستی تا عطر یاد و حضور تو را بر من بپاشد تا همیشه از خوشبوترین منتظرانت باشم.